

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا.م. شیری

۱۱ فبروری ۲۰۱۲

قطر نیز به جمع کشورهای صادر کننده «دمکراسی» و مدافع «حقوق بشر» پیوست

باز انتشار

۲۰ بهمن [دلو] ۱۳۹۰

مقدمه ای بر انتشار مجدد

مقاله «قطر نیز به جمع کشورهای صادر کننده «دمکراسی» و مدافع «حقوق بشر» پیوست»، قریب ده ما پیش، در گرماگرم حمله استعمار جهانی به لیبیا منتشر گردید. روند حوادث جهانی در طول مدت زمان گذشته به وضوح ثابت کرد که ائتلاف بهیمی امپریالیسم و نوچه های ریز و درشت آن امروز دیگر هستی بشر در روی کره زمین را با خطر جدی مواجه ساخته است.

مقابله چین و روسیه در شورای به اصطلاح «امنیت» سازمان ملل «متحد» با تلاشهای رذیلانه ائتلاف امپریالیستی برای در هم کوبیدن سوریه، باعث گردید تا تروریسم بین المللی، علاوه بر محلل های منطقه ئی خود مثل قطر، کویت، بحرین و عربستان سعودی، دولت از لحظ تاریخی ارتجاعی ترکیه را نیز وارد عمل سازد. دولتهای ترکیه که در جنگهای جهانی اول، دوم و دهشتناک تراز آن دو جنگ، در جنگ جهانی ویران کن «سرد» در کنار ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی و فاشیسم جهانی وارد جنگ گردید، به گزارش خیرگزاریهها، این بار نیز تصمیم گرفته است در کنار شیخک نشینهای قطر، عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات متحده عربی و گروههای تروریستی امپریالیستی وارد جنگ علیه جمهوری سوریه شود که پیامدهای فاجعه بار آن از هم اکنون قابل پیش بینی است.

وارد شدن دولت ارتجاعی و دست نشانده ترکیه در این جنگ، در عین حال این باور را تقویت می کند که همچنان که پیامد اتحاد این کشور با المان در دو جنگ جهانی موجب شکست و رسوائی در هر دوی آنها و تلاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول و تبدیل ترکیه به حیاط خلوت امپریالیستهای امریکا و اروپا در جنگ

جهانی دوم گردید، این بار نیز قطعا با شکست و تجزیه ترکیه پایان خواهد یافت. رسوائی دیگر باره و تجزیه ترکیه، همواره در صدر برنامه های صهیونیسم بین المللی قرار داشته و این برنامه امروز به واسطه دولت این کشور، تحت سرپرستی رجب طیب اردوغان، یک گرجستان الاصل به اجراء در می آید.

قطر نیز به جمع کشورهای صادر کننده «دمکراسی» و مدافع «حقوق بشر» پیوست

دور از انتظار نبود که ظهور مجدد جنبشهای رهائیبخش ملی در قرن بیست و یکم و مشارکت همگانی مردم مستعمرات در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیمهای وابسته به آن، باعث شدت گیری یورشهای صلیبی استیلاگران بین المللی بشود.

همزمان با اوجگیری جنبشهای آزادیبخش ملی از آغاز سال جدید میلادی، ارتجاع امپریالیستی نیز تهاجم گسترده ای را برای تحکیم جای پای خود در مستعمرات سنتی و مستعمره سازی کشورهای «نامطلوب» آغاز کرد. تا کنون دو کشور افریقایی لیبیا و ساحل عاج قربانی تاخت و تاز امپریالیسم جهانی شده است.

ساحل عاج، بزرگترین کشور تولید کننده کاکائو در جهان، در پی چهار ماه کشمکش بین لوران گباگبو، حامل تمایلات ضداستعماری مردم این کشور و آلسان واتارا، نماینده صندوق بین المللی پول و دست آموز فرانسه، در اثر تهاجم نظامی فرانسه و کلاه آبی های سازمان ملل متحد که با تخطی از حق بیطرفی خود، در نقش ارتش مداخله گر وارد معادله شدند، با این که به سقوط رژیم مخالف استعمار غرب انجامید ولی، مناقشات هنوز ادامه دارد.

در لیبیا نیز جنگ داخلی و تجاوز نظامی هنوز ادامه دارد. مردم لیبیا در زیر آتش سه طرف؛ نیروهای وابسته به رژیم سرهنگ قذافی، بمبارانهای جنون آمیز ماشین جنگی امپریالیسم و تروریستهای مسلح وابسته به آن، گروه گروه کشته می شوند. شهرها ویران و از سکنه خالی می گردند؛ میلیونها انسان از جمله یک میلیون کارگر خارجی از کار بیکار شده و از کشور فرار کرده اند. لیبیا امروز به تمام معنی با فاجعه انسانی مواجه شده است. با این همه، انتظار نمی رود مسأله که بر که به این زودبها در این کشور حل شود. زیرا، از یک سو، نیروهای مهین پرست به شدت در مقابل تروریسم دولتی استعمار غرب و تروریسم داخلی مقاومت می کنند و از دیگر سوی، دولتهای امپریالیستی با توجه به بحران اقتصادی- مالی سنگین سرمایه داری و کسری بودجه ها و بدهی نجومی خود، نمی توانند هزینه یورشهای صلیبی طولانی مدت را تحمل کنند.

امپریالیسم جهانی برای مداخله نظامی از پیش برنامه ریزی شده در لیبیا، هر بار بهانه تازه و جعلیات تازه تری می تراشد. ابتداء با پخش اخبار از بیخ و بن کذب، پیرامون بمباران شهرها توسط نیروی هوایی لیبیا، استفاده قذافی از «مزدوران افریقایی» در سرکوب مردم و سپس با مشاطه گری اتحادیه ارتجاعی عربی، از شورای امنیت سازمان ملل مجوز پرواز ممنوع در آسمان لیبیا را گرفت و بلافاصله، بمباران «بشردوستانه» مردم و شهرهای این کشور را آغاز کرد. در روزهای اخیر نیز با هدف توجیه کشتار وسیع مردم غیرنظامی و ویرانیهای عظیم در اثر بمبارانهای دیوانه وار ماشین جنگی استعمار، خیر «استفاده قذافی از سپر انسانی» را جعل کرده است.

در هر دو کشور نامبرده، دولتهای استیلاگر راه کار آزموده شده در تجزیه اتحاد شوروی و یوگسلاوی را برای در هم شکستن توان نیروهای مقاومت ملی بکار بستند:

– ایجاد مناقشه داخلی برای بر هم زدن ثبات و امنیت در کشور؛

– بسیج، سازماندهی، آموزش و تسلیح گروههای خرابکاری و تروریستی در داخل کشور.

هم اکنون از این متد در کشورهای دیگر، در وهله اول، در دو کشور سوریه و جمهوری "سوسیالیستی" بلاروس نیز استفاده می شود.

در جمهوری سوریه، اعتراضات به حاکمیت خاندان اسد درست مثل لیبیا با تیراندازی باندهای تروریستی و تک تیراندازان به سوی معترضان آغاز شد و به گزارش رسانه های غربی تا کنون بیش از ۲۰۰ نفر کشته شده اند.

جمهوری "سوسیالیستی" بلاروس، به عنوان با ثبات ترین و امن ترین کشور جهان، کشوری کاملاً عاری از معضلات بیکاری و بی مسکنی، فقر و گرسنگی و گرانی سیستماتیک ناشی از سلطه سیستم «بازار آزاد»، پس از آن که در طول سالهای بعد از تخریب "نظام سوسیالیستی" بلوک شرق خلاف دیگر جمهوریهای اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی به زیر یوغ استعمار غرب گردن نهاد، دائماً آماج حملات ارتجاع امپریالیستی بوده، ترفندهای مختلف امپریالیسم غرب برای بر هم زدن ثبات و امنیت این کشور و به زانو در آوردن آن، بارها با شکست مواجه شده و صدور دمکراسی از نوع یوگسلاوی و یا افغانی و عراقی به این کشور ممکن نشده است.

علی رغم ناکامیهای پیاپی استعمار امپریالیستی در جمهوری "سوسیالیستی" بلاروس، امپریالیسم غرب باز هم متد شناخته شده خود را برای بر هم زدن امنیت این کشور به کار گرفت. بگزارش خبرگزاریهای مختلف، روز ۱۱ اپریل ۲۰۱۱، انفجار هدایت شونده مهیبی در توقفگاه «اکتوبر» متروی پایتخت این جمهوری روی داد. در اثر این انفجار ۱۲ نفر کشته و بیش از ۱۶۰ نفر زخمی گردیدند که حال ۳۰ نفر از آنان وخیم گزارش شده است.

دولت بلاروس بلافاصله کشورهای خارجی را مسؤول این حادثه خواند. این در حالی است که «دو هفته قبل از این حادثه تروریستی، ۲۹ مارچ، آژانس خبری «رگنوم» (Regnum) نزدیک به شورای امنیت فدرال روسیه نیز بدون این که بتواند شادمانی خود را پنهان کند، به خوانندگان نوید می دهد که: غرب سرنوشت قذافی را برای لوکاشنکو آماده می کند و در ادامه آن با اظهار نظر دور و دراز در این مورد که رئیس جمهور بلاروس نباید به این خیال باشد و بیندیشد که غرب پیروزی او در ۱۹ دسمبر سال گذشته را خواهد بخشید، تحلیلگران «امنیتی» پیشاپیش هدف را کاملاً نشان دادند...» (معمای مینسک، الکساندر فرلوف، ۲۰۱۱/۴/۱۳, www.sovross.ru).

هر کسی که کمترین آشنائی را با اسلوب کار راهزنان بین المللی داشته باشد، می داند که انفجارات انتحاری و هدایت شونده از راه دور، یکی از شناخته شده ترین متدهای امپریالیسم جهانی و در رأس آن، سازمان امنیت دولت امریکا است که به منظور بر هم زدن آرامش کشورها و فراهم ساختن زمینه «صدور دمکراسی» به آنها روی می دهد.

گذشت زمان، افشای جعلیات و بهانه های کذائی اشغالگرها و جنگهای استعماری امپریالیسم جهانی در کشورهای مختلف، از جمله در یوگسلاوی، افغانستان، عراق، پاکستان، لیبیا، بحرین و ساحل عاج، ماهیت فاشیستی- تروریستی امپریالیسم جهانی و مداخلات استیلاگرانه آن را چنان آشکار ساخته است که دیگر هر انسان اندیشمند و خردورزی بدون این که منتظر افشای اسناد حوادث بماند، می تواند منبع و سر چشمه حوادث امروزی سوریه و بلاروس را تشخیص دهد.

انتظار می رفت واقعبیت حوادث استیلاگرانه و خونین حداقل دو دهه اخیر، وازدگان و متعصبان سیاسی را که با تکرار طوطی-وار یاهو های کارگزاران سیاسی امپریالیسم جهانی و ماشین تبلیغاتی خصم قسم خورده بشریت جهان در مورد «دموکراسی» و «حقوق بشر»، یورش صلیبی استعمار امپریالیستی به لیبیا و دیگر کشورها را توجیه و تفسیر می نمایند، بر سر عقل آورد. اما آنها همچنان سعی می کنند به اتکاء نظریات تقلبی، دموکراسی و حقوق بشر را یک امر فراطبقاتی تعریف کرده، اشغال و ویران کردن کشورها، بمبارانها و کشتار «بشردوستانه» مردم بی دفاع آنها را جزء حقوق خدشه ناپذیر ارتجاع امپریالیستی بخوانند.

در زندگی اجتماعی هر از گاهی چنان حوادث تکان دهنده ای روی می دهد که بیش از هر سند و صدها تحلیل و توضیح مستدل در بیدار شدن بخش اعظم انسانهای نیمه بیدار و یا حتی خفته تأثیر می گذارند. یکی از تکان دهنده ترین حوادث روزهای اخیر، خبر مربوط به پیوستن ارتجاعی ترین و پس افتاده ترین دولتهای جهان، از جمله عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی به جمع «کشورهای صادر کننده دموکراسی و مدافع حقوق بشر» است. جای بسی امیدوار نیست هم‌اوائی، همیاری و همکاری فعال این کشور های مفلوک تا اعماق وجود استعمارزده با دولتهای استعمارگر غرب در سرکوب خونین جنبشهای رهائی بخش منطقه و لشکرکشی به بحرین و همچنین، مشارکت فعال آنها، به خصوص قطر در تسلیح و تأمین مالی شورشیان لیبیا و بمباران «بشردوستانه» شهرهای آن، چشم همه آن انسانها و تشکلهای به اصطلاح سیاسی را که هنوز جنگهای استعماری و یورشهای صلیبی را جزء حقوق مسلم دول امپریالیستی غرب می خوانند، باز کند.

اضافه بر این، در زیر ترجمه سه خبر دیگر در مورد حوادث لیبی را نیز تقدیم می کنم. باشد که نیروی متحد همه آزادیخواهان، جویندگان عدالت و جستجوگران حقیقت در جهان بتواند از ادامه یورشهای صلیبی ارتجاع امپریالیستی و تکرار فجایع هولناک کشورهای اشغالی، از جمله لیبیا و ساحل عاج در سوریه و جمهوری "سوسیالیستی" بلاروس جلوگیری نماید.

۲۶ فروردین ۱۳۹۰

سه خبر در باره حوادث لیبیا

پایگاه اینترنتی «جنگ و صلح» (www.warandpeace.ru) به نقل از تلویزیون خبری «ار بی سی» (RBC) و خبرگزاری «ریا نووستی» (RIA Novosti) می نویسد:

شورشیان لیبی به «القاعده» اسلحه می فروشند

(دوم اپریل ۲۰۱۱)

تروریسم: واقعیتهای و نیروی محرک آن

روزنامه الجزایری «اکسپرس سون» با استناد به مقامات نظامی الجزایر، در شماره روز شنبه خود می نویسد: شورشیان لیبیا اسلحه و تجهیزات غارتی از انبارهای ارتش را به گروههای جنگجوی القاعده در کشور اسلامی مغرب می فروشند.

به نوشته این روزنامه، این گروه تروریستی توانسته است به تسلیحات سنگین، و همچنین موشکهای ضد هوایی نیز دست یابد. طبق اطلاعات این منبع خبری، «القاعده» در کشور مغرب تجهیزات و تسلیحات جنگی را با پولهایی که به ازای رها کردن مقامات گروگان گرفته شده به دست می آورد، خریداری می کند. این روزنامه می نویسد اگر کشورهای غربی تصمیم به تسلیح شورشیان لیبیا بگیرند، احتمال دارد این سلاحها هم به دست تروریستها بیفتد.

همین روز نامه در ادامه می نویسد: در حال حاضر، «القاعده» سعی می کند جنگجویان را در اراضی این کشور اجیر کرده و آنها را برای جنگ علیه معمر قذافی، رهبر رژیم لیبیا آماده نماید.

این روز نامه ادامه می دهد: این ساده لوحی خواهد بود هر گاه تصور شود که «القاعده» عملیات خود را به لیبیا محدود خواهد کرد. در همین رابطه، الجزایر تصمیم گرفت حفاظت از مرزهای مشترک خود با لیبیا را که در حدود

۹۶۰ کیلومتر می باشد، تقویت کند. پنج گردان ارتش و هفت هزار ژاندارم به نواحی مرزی اعزام کرده است. بالگردها (هلی کوپترها) نیز از هوا مرزها را کنترل می کنند.

شعبه «القاعده» در کشور مغرب یکی از خطرناکترین سازمانهای افراطی در منطقه محسوب می شود و در عملیات گستاخانه و به غایت خشن بسیاری، از جمله در ربودن و کشتن خارجیان دست داشته است. تروریستها در مناطق کم جمعیت صحرائی در نزدیکی مرز الجزایر، مال و نیجریه، و همچنین لیبیا مخفی می شوند. معمولاً برای گریز از تعقیب، آنها در کشورهای همسایه جمع می شوند.

(ریا نووستی)

«القاعده» انبارهای ارتش لیبیا را تاراج می کند.

(پنجم اپریل ۲۰۱۱)

کانال تلویزیونی العربیه با استناد به مقامات عالیرتبه الجزایر گزارش داد: شاخه شمال آفریقای «القاعده» (القاعده مغرب اسلامی)، از ناآرمیهای لیبیا برای غارت اسلحه از انبارهای این کشور استفاده می کند.

به گفته آن، شبه نظامیان تندرو این گروه بندی موفق شدند مجموعه ای از موشک انداز آر پی جی-۷، مسلسلها و تفنگهای کالاشنیکوف (Calashnikov) و همچنین موشک اندازهای ضد هوائی نفری به دست بیاورند. اکثریت این تسلیحات، ساخت اتحاد شوروی می باشند.

به گفته مصاحب کانال تلویزیونی، سلاحهای لیبیا با هشت دستگاه اتوموبیل باری توپوتا از خاک چاد و نیجریه به مالی حمل شده اند. «القاعده» سلاحها را در آنجا انبار می کند. به سخنان این منبع، صحبت نه بر سر یک بار دزدی سلاح و انتقال آنها به مالی، بلکه بر سر چندین کاروان القاعده از لیبیا می رود.

مارک تونر، نماینده رسمی وزارت خارجه امریکا اعلام کرد، که واشینگتن از افتادن سلاحهای لیبیا بدست القاعده نگران است. تونر اضافه کرد که، دولت امریکا با نمایندگان شورشیان مخالف رژیم معمر قذافی در لیبیا وارد مذاکره شده است.

اطلاعات مبنی بر این که القاعده تسلیحات متعلق به ارتش لیبیا را بدست آورده است، از آغاز عملیات جنگی در این کشور در دست بوده است. خیر آنها ابتداء از زبان مقامات رسمی شنیده شد. اندریس دبی، رئیس جمهور چاد ۲۵ مارچ اعلام کرد که جنگجویان «القاعده» سلاحها را از انبارهای اسلحه شورشیان مسلح مخالف رژیم کنونی لیبیا دزدیده اند.

خبرهای منتشره در این باره حاکی از آنست که برخی کشورهای غربی (از جمله بریتانیا و فرانسه) همچنان بر سر مسأله تسلیح مخالفان قذافی که به گفته پنتاگون جنگجویان «القاعده» هم در میان آنها هستند، مذاکره می کنند.

(ار بی سی)

چاد برای دفع خطر مخالفان لیبیا از ناتو کمک خواست.

(چهارم اپریل ۲۰۱۱)

افریقا به عنوان ذخایر هیچ کس

چاد برای دفاع از اتباع خود در مناطق تحت کنترل شورشیان از نیروهای ائتلاف کمک خواست. به گزارش کانال تلویزیونی الجزیره قطر، دولت این کشور از کشتارهای جمعی خبر می دهد.

به طوری که کالزبه دبه، سخنگوی دولت چاد اظهار داشت، از زمان شروع عملیات نظامی، دهها نفر غیرنظامی به دست شورشیان لیبیا کشته شده اند. این احتمال که همه اتباع چاد ممکن است مزدوران معمر قذافی باشند، سبب این کشتارها بوده است.

دولت چاد خاطر نشان می سازد بعضی از اتباع این کشور را که از سوی شورشیان مسلح دستگیر شده اند، در کانالهای تلویزیونی به عنوان اسیر از میان مزدوران قذافی معرفی کرده اند.

مخالفان از همان اول سعی کردند جامعه جهانی را مطمئن سازد که این مردم لیبیا نیست که به طرفداری از قذافی می جنگد، بلکه مزدورانی از دیگر کشورها هستند که به ازای پرداخت پول بیشتر، مردم عادی را می کشند. ناظران غربی نیز در این باره خاطر نشان می سازند که سخن بر سر مزدوران خارجی نبوده، بلکه بر سر مهاجران افریقائی می باشد که از سالهای زیادی پیش در جست و جوی زندگی بهتر در لیبیا ساکن شده اند.

<http://eb1384.wordpress.com/2012/02/09>